

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

- مدیر مسئول:**
- محمد امین ایمانجانی
- قائم‌مقام مدیرمسئول:**
- مسعود فروغی
- سرمدبیر:**
- محمد زعیم‌زاده
- تلفن و فکس:**
- ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
- کدپستی:**
- ۱۱۳۵۳۳۸۱۶
- چاپ:**
- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی:**
- خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
-
- وب‌عروزی**ساختمان‌پورس
- ساختمان** فره‌یختگان، طبقه‌سوم

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان



مهدی عبداللّهی دبیر گروه اقتصاد

نام دونالد ترامپ در دهه ۸۰ میلادی وارد رسانه‌های آمریکایی شد. در آن سسال‌ها تمرکز بر بازار املاک منتهن، پروژه‌هایی مانند برج ترامپ، هتل‌های لوکس و خرید هتل پلازا، نام ترامپ را از یک شرکت ساختمانی خانوادگی به یک برند تجاری تبدیل کرد. ترامپ در سال ۱۹۸۲ با ۲۰۰ میلیون دلار ثروت، برای نخستین‌بار در فهرست «فوربس ۴۰۰» قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد ازسسال ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۲۳ یعنی قبل از دوره دوم ریاست‌جمهوری در دو سال اخیر و به‌ویژه با شروع دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ در ژانویه ۲۰۲۵، یک تغییر کلی در فرایند ثروت‌اندوزی رئیس‌جمهور آمریکا رخ داده است. اتفاق اینکه، تغییر ترکیب سید سرمایه‌گذاری ترامپ از ثروت‌اندوزی بر پایه املاک به یک هلدینگ چندوجهی در حوزه املاک، رسانه، بازار سرمایه و دارایی‌های دیجیتال است. به عبارتی، در سال‌های اخیر بخش عمده رشد ثروت ترامپ نه از ساخت برج‌های جدید، بلکه از افزایش ارزش دارایی‌های مالی، توسعه پروژه‌های رمزارزی و بهره‌برداری تجاری از برند شخصی او ناشی شده است. طبق داده‌های رسمی، درحالی‌که طی ۴۱ سال ثروت ترامپ ۱۳ برابر شده بود، حالا طی دو سال ثروت وی با رشد نزدیک به ۳ برابری از ۶٫۵ تا ۶٫۸ میلیارد دلار رسیده است. ثروت‌اندوزی فقط مربوط به شخص ترامپ نیست، پسران و داماد رئیس‌جمهور آمریکا نیز در این چند سسال پول‌های بادآورده‌ای را در حوزه ارز دیجیتال و سهام به جیب‌زده‌اند. نکته قابل‌تأمل اینکه، تغییر رویسه ثروت‌اندوزی خانواده ترامپ از املاک به یک هلدینگ چندوجهی در حوزه املاک، رسانه، بازار سرمایه و دارایی‌های دیجیتال منجر به نوسان‌گیری رئیس‌جمهور آمریکا از اخبار و رسانه شده است.

افزایش ۴ میلیارد دلاری ثروت ترامپ در ۲ سال

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید یکی از سریع‌ترین دوره‌های رشد ثروت شخصی او را رقم زده است. بر اساس برآوردهای مجله فوربس و شاخص میلیarderه‌های بلومبرگ، ارزش خالص دارایی‌های ترامپ از حدود ۲٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳، یعنی پیش از آغاز رقابت‌های انتخاباتی منتهی به دور دوم ریاست‌جمهوری، به حدود ۶٫۵ تا ۶٫۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۶ رسیده است. به عبارتی، ثروت او طی حدودسه سال نزدیک به ۴ میلیارد دلار افزایش یافته است. این رشد عمدتاً ناشی از افزایش ارزش دارایی‌های مالی و دیجیتال بوده و برخلاف دهه‌های گذشته، صرفاً به رونق بازار املاک وابسته نیست. ورود شرکت ترامپ مدیاندان تکنولوژی گروه (TMTG) به بورس، افزایش ارزش سهام این شرکت، توسعه پروژه‌های رمزارزی خانواده ترامپ از طریق ورلد لیبرتی فایننشال و گسترش قراردادهای بین‌المللی سازمان ترامپ، مهم‌ترین عوامل این افزایش ثروت به شمار می‌روند.

همچنین بررسی‌ساختار دارایی‌های ترامپ نشان می‌دهد که در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بخش عمده ثروت او از یرج‌های تجاری، هتل‌ها و پروژه‌های ساختمانی تأمین می‌شد؛ اما در سال‌های اخیر، سهم دارایی‌های مالی، سهام شرکت‌رسانه‌ای ترامپ و سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با اقتصاد دیجیتال به‌طور محسوسی افزایش یافته است. به همین دلیل نوسانات بازار سرمایه و بازار رمزارزها اکنون تأثیر بسیار بیشتری بر ارزش خالص دارایی‌های او نسبت به گذشته دارد. برخی با استناد به همین تغییروتحول در سید سرمایه‌گذاری خانواده ترامپ، می‌گویند وی برای ثروت‌اندوزی بیشتر بازار را دست‌کاری می‌کند.

بر اساس تحقیقات نیویورکتایمز و چند رسانه دیگر که چندی پیش خلاصه‌ای از آن را برنی سسندرز نیز در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توئیتر (ایکس) منتشر کرد، خانواده رئیس‌جمهور آمریکا طی دو سال اخیر ۴ میلیارد دلار از طریق روابط شخصی و دوستی و رفاقت و تعارض منافع، کاسب‌شده‌اند. طبق اطلاعات منتشرشده در صفحه توئیتر برنی سسندرز، سیاست‌مدار مشهور آمریکایی و سناتور مستقل از ایالات ورمونت، خانواده ترامپ در دوره ریاست‌جمهوری وی ۴ میلیارد دلار سود برده‌اند. سنندرز، نوشت: «خانواده ترامپ ۴ میلیارد دلار از ریاست‌جمهوری سود برده‌اند که شامل ۱–۳ رمزارزها بیش از ۳ میلیارد دلار، ۲– قراردادهای کشورهای خلیج‌فارس حدود ۴۲۶

گزارش ترند در آمریکا؛ رئیس‌جمهور با نوسان‌گیری رسانه‌ای جیب خود و نزدیکانش را پر می‌کند

کوشنر و ترامپ کاسبان جنگ

میلیون دلار، ۳– هواپیمای قتری ۱۵۰ میلیون دلار، ۴– حق‌الوکاله فروش کالا حدود ۱۲۸ میلیون دلار، ۵– قراردادهای شرکتی ۹۱ میلیون دلار، ۶– هتل هانوی ۴۰ میلیون دلار، ۷– شبکه اجتماعی تروث‌سوشال ۲۵ میلیون دلار و ۸– دریافتی‌های دونالد ترامپ جوینور (پسر ارشد ترامپ) به مبلغ ۱۹۰۶ میلیون دلار است.»

شاید؛ از دست‌کاری بازار سهام تا نف

هم‌زمان با رشد چشمگیر ثروت ترامپ و خانواده‌اش، منتقدان ترامپ از جمله برخی از سیاست‌مداران دموکرات، حقوق‌دانان و نهادهای ناظر، پرسش‌هایی را درباره هم‌زمانی افزایش ثروت رئیس‌جمهور با برخی تصمیمات سیاستی دولت مطرح کرده‌اند. آن‌ها معتقدند توسعه فعالیت‌های تجاری خانواده ترامپ در حوزه‌هایی مانند رمزارز، رسانه و قراردادهای خارجی، ضرورت بازنگری در قوانین تعارض منافع برای رئیس‌جمهور آمریکا را بیش از پیش آشکار کرده است. به نوشته رسانه‌های آمریکایی، آن چیزی که فساد خانواده ترامپ را از فساد در دولت‌های گذشته آمریکا متمایز می‌کند این است که فساد در دولت‌های گذشته از طریق زیردستان و کارکنان دولت انجام می‌شد؛ اما در این دولت، فساد اقتصادی از طریق خانواده رئیس‌جمهور صورت می‌گیرد. در همین خصوص جانی اولچفسکی، نماینده دموکرات ایالت مریلند در جلسه ۳ژوئن ۲۰۲۶ کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا که با حضور مارکو رابو ویزر امور خارجه برگزار شد، دولت دونالد ترامپ را به بهره‌برداری مالی از قدرت سیاسی و استفاده از موقعیت ریاست‌جمهوری برای افزایش ثروت شخصی رئیس‌جمهور و خانواده‌اش متهم کرد.

اولچفسکی با استناد به فرهای افشای مالی رئیس‌جمهور مدعی شد ترامپ تنها در سه ماه نخست سال هزاران معامله سهام انجام داده و در مواردی، پیش از اعلام برخی مواضع یا تصمیمات دولت، اقدام به خرید سهام شرکت‌هایی مانند پالانتیر، انویدیا و چند شرکت بزرگ نفتی کرده است. به گفته اولچفسکی، زمان‌بندی این معاملات با اظهارات ترامپ درباره جنگ ایران، مذاکرات، سیاست‌های انرژی و برخی تصمیمات دولت، شائبه استفاده از اطلاعات حساس یا تأثیرگذاری بر بازار را ایجاد می‌کند.

این نماینده همچنین به فعالیت‌های اقتصادی خانواده ترامپ اشاره کرد و مدعی شد پسر رئیس‌جمهور با یک شرکت موردحمایت دولت امارات متحده عربی قرارداد چندمیلیارددلاری در حوزه رمزارز منعقد کرده و پس از آن، دولت آمریکا محدودیت‌های صادرات برخی ترانشه‌های هوش مصنوعی و انتقال فناوری به نهادهای مرتبط با امارات را کاهش داده است. اولچفسکی این رخدادها را نشانه همپوشانی منافع تجاری خانواده ترامپ با تصمیم‌های سیاست خارجی دانست و این روند را مصداق ثروت‌اندوزی شخصی از طریق قدرت سیاسی توصیف کرد و از مارکو رابویی خواست درباره این موارد شفاف‌سازی کند؛ ادعاهایی که رابویی پاسخ مناسبی برای آن‌ها نداشت و سعی کرد از پاسخ مستقیم به این موضوع طفره ببرد.

در همین‌خصوص جو بایدن نیز در کارزار انتخاباتی ۲۰۲۴ و همچنین در سخنرانی‌های بعدی، بارها ترامپ را متهم کرد که از ریاست‌جمهوری برای منافع شخصی و خانوادگی استفاده می‌کند. الیزابت وارن، سناتور دموکرات ماساچوست نیز پروژه‌های رمزارزی خانواده ترامپ را فساد در برابر دیدگان مردم توصیف کرده و خواستار تحقیقات گنگره درباره ارتباط میان سیاست‌گذاری دولت و منافع مالی خانواده ترامپ شده است.

کسب ثروت از فروش سیگنال!

شرکت ترامپ مدیاندان تکنولوژی گروه (TMTG) مالک شبکه اجتماعی تروث‌سوشال با معرفی سرویس Truth API وارد یکی از بحث‌برانگیزترین حوزه‌های بازارهای مالی شده است. اقدام جالب‌توجه شرکت رسانه‌ای ترامپ، فروش دسترسی زودهنگام به پیام‌های منتشرشده در حساب کاربری دونالد ترامپ است.

بر اساس این طرح، صندوق‌های پوشش ریسک، شرکت‌های معاملات الگوریتمی و مؤسسات مالی می‌توانند با پرداخت اشتراک ماهانه که بنا بر گزارش‌ها تا ۱۰۰ هزار دلار می‌رسد، پیام‌های منتشرشده در تروث‌سوشال را چند میلی‌ثانیه زودتر از سایر کاربران دریافت کنند. اگرچه این اختلاف زمانی بسیار کوتاه است، اما در بازارهای مالی مدرن که بخش قابل‌توجهی از معاملات توسط

مختصات نبرد هرمز آمریکا برای تنگه هرمز چه نقشه‌ای دارد؟

یافت. این وضعیت برای اقتصاد ایالات متحده قابل تحمل نبود و آن‌ها را وادار به پیشنهاد آتش‌بس کرد.

برده دوم: از آتش‌بس تا توافق؛ فرسایش در محاصره

با توقف تبادل آتش، آمریکا تلاش کرد از طریق محاصره اقتصادی، درآمد‌های ارزی ایران را محدود کرده و کشور را وادار به عقب‌نشینی کند. ایران نیز با انسداد مجدد تنگه، فشار بر بازار نفت را حفظ کرد. در این مقطع نیز کفه تاپ‌آوری به نفع ایران بود. نفت ۱۰۰ دلاری آثار مخرب خود را بر اقتصاد آمریکا وارد می‌کرد و ذخایر استراتژیک نفت این کشور به‌سرعت به سطح بحرانی نزدیک می‌شد؛ اتفاقی که می‌توانست قیمت نفت را به رکوردهای تاریخی برساند. آمریکا با درک این موضوع که ادامه وضعیت مقدور نیست و ایران نیز به توافق مطلوب واشنگتن تن نخواهد داد، به توافق اولیه‌ای یک‌طرفه رضایت داد تا طرح دیگری را پیش ببرد.

برده سوم: از توافق تا نقض آن؛ تله‌گذاری در سایه مذاکره

ایسده آمریکا در این مرحله این بود که محاصره را رفع کند تا ایران با باز کردن تنگه، سسایه قیمت نفت را از سر اقتصاد آمریکا بردارد و هم‌زمان با مذاکرات فرمایشی، با فعال‌کردن مسیر جنوبی تنگه از سمت عمان، آرام‌آرام کنترل تنگه را به دست بگیرد. این راه‌فراری برای آمریکا بود تا اگر مذاکرات به نتیجه نرسید، جنگ در شرایطی پایان‌یابد که وضعیت تنگه به شرایط پیش از جنگ بازگشته باشد؛ اما ایران با یک اقدام تقابلی این معادلات را برهم زد. جمهوری اسلامی ایران به کشتی‌ها هشدار داد که تنها حق عبور از مسیرهای تعیین‌شده را دارند و حتی در مواردی برخورد نظامی کرد. هدف ایران از ناامن‌سازی مسیر جنوبی این بود که مدیریت خود بر تنگه هرمز را در عمل تثبیت کند. این اقدام ایران باعث شد آمریکا طرح خود در این مرحله را شکست‌خورده ببیند و از توافق اولیه خارج شود.

در اینجا باید یک تحلیل رایج، اما نادرست را رد کرد. برخی معتقدند آمریکا از

الگوریتم‌های پرسرعت انجام می‌شود، همین فاصله زمانی می‌تواند به یک مزیت اقتصادی قابل توجه تبدیل شود. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که اظهارنظرهای دونالد ترامپ، به‌ویژه درباره موضوعاتی مانند تعرفه‌های تجاری، سیاست‌های اقتصادی، جنگ، تحریم‌ها، قیمت انرژی، چین و رمزارزها، در موارد متعددی موجب نوسان قیمت سهام، نفت، ارز و دارایی‌های دیجیتال شده است. ازاین‌رو، دسترسی سریع‌تر به این اطلاعات می‌تواند به برخی معامله‌گران امکان دهد پیش از واکنش عمومی بازار، معاملات خود را انجام دهند.

این اقدام با واکنش منفی شماری از سیاست‌مداران و نهادهای ناظر روبه‌رو شده است. مارک وارنر، سناتور دموکرات از فعالان وال‌استریت خواسته است از خرید این سرویس خودداری کنند و هشدار داده که فروش دسترسی زودهنگام به پیام‌های رئیس‌جمهور می‌تواند اصل برابری دسترسی به اطلاعات در بازارهای مالی را مخدوش کند. همچنین ریچی تورس، نماینده مجلس نمایندگان خواستار بررسی این موضوع از سوی کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا شده و نسبت به‌احتمال ایجاد تعارض منافع و خدشه به سلامت بازار هشدار داده است.

منتقدان می‌گویند وقتی منبع اطلاعات، شخص رئیس‌جمهور ایالات متحده است؛ فردی که اظهارنظرهایش می‌تواند مستقیماً بر انتظارات بازار و قیمت دارایی‌ها اثر بگذارد، این مدل کسب‌وکار نه صرفاً یک خدمت تجاری، بلکه نمونه‌ای از تجاری‌سازی دسترسی به اطلاعات اثرگذار بر بازار است؛ موضوعی که می‌تواند در آینده به یکی از پرورنده‌های مهم تعارض منافع و تنظیم‌گری بازارهای مالی آمریکا تبدیل شود.

رشد ۱۰ برابری ثروت پسران ترامپ

تاپیش از سال ۲۰۲۴، عمده بحث‌های مربوط به تعارض منافع ترامپ بر هتل‌ها، زمین‌های گلف و پروژه‌های املاک متمرکز بود؛ اما با ورود خانواده ترامپ به بازار دارایی‌های دیجیتال، محور این بحث‌ها نیز تغییر کرد. خانواده ترامپ از طریق پروژه World Liberty Financial عرضه توکن‌های دیجیتال، حمایت از میم‌کوین‌ها و سسرمایه‌گذاری در شرکت‌های استخراج بیت‌کوین، به یکی از بازیگران شناخته شده صنعت رمزارز تبدیل شدند؛ هم‌زمان دولت ترامپ نیز از رویکردی حمایت کرد که مقررات‌گذاری این بازار را تسهیل می‌کرد.

نشریه فوربس که به‌صورت تخصصی به برآورد ثروت افراد مشهور می‌پردازد، در گزارش ۸ دسامبر ۲۰۲۵ خود می‌نویسد، در سال ۲۰۲۴ بزرگ‌ترین پسر رئیس‌جمهور آمریکا حدود ۵۰ میلیون دلار ثروت داشت؛ اما امروز، او چیزی

حدود ۳۰۰ میلیون دلار ثروت دارد که شش برابر بیشتر از نوامبر ۲۰۲۴ است و او این ثروت را مدیون ارزهای دیجیتال است.

فوربس ۴ دسامبر ۲۰۲۵ نیز در گزارش دیگری با عنوان «اریک ترامپ از زمان انتخاب پدرش ۱۰ برابر ثروتمندتر شده است» به بررسی روش‌های ثروت‌اندوزی پسر دوم ترامپ می‌پردازد. در این گزارش آمده است که پسر دوم دونالد ترامپ که ۹ سسال است مدیریت کسب‌وکار پدرش را بر عهده دارد، اکنون ثروتی بالغ بر ۴۰۰ میلیون دلار دارد که بیش از هر یک از خواهر و برادرانش است. به نوشته فوربس، ثروت اریک ترامپ نیز قبل از ریاست‌جمهوری پدرش، حدود ۴۰ میلیون دلار بوده است.

سیاست خارجه در خدمت تجارت ترامپ و خانواده

گسترش پروژه‌های سازمان ترامپ در خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی و اروپای شرقی نیز به یکی از موضوعات موردتوجه رسانه‌ها تبدیل شده است. قراردادهای جدید برای توسعه هتل‌ها، مجتمع‌های مسکونی و زمین‌های گلف در کشورهایی مانند عربستان سعودی، قطر، امارات، عمان، ویتنام و صربستان، هم‌زمان با حضور ترامپ در کاخ سفید منعقد شد یا توسعه یافت. منتقدان می‌گویند چنین قراردادهایی ممکن است این تصور را ایجاد کند که دولت‌های خارجی برای تقویت روابط سیاسی، به پروژه‌های تجاری مرتبط با خانواده رئیس‌جمهور علاقه نشان می‌دهند. نکته قابل‌تأمل، بهره‌مندی فرزندان و داماد ترامپ از این روابط سیاسی برای ثروت‌اندوزی است. برای مثال، جرد کوشنر داماد ترامپ پس از خروج از کاخ سفید در سال ۲۰۲۱، شرکت سرمایه‌گذاری Affinity Partners را تأسیس کرد. این شرکت در مدت کوتاهی موفق شد میلیاردها دلار از صندوق‌های ثروت ملی کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان، امارات و قطر جذب کند.

بر اساس اسناد ثبت‌شده نزد کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC)، دارایی‌های تحت مدیریت این شرکت از حدود ۳ میلیارد دلار به ۴٫۸ میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۲۴ افزایش یافت و سپس تا پایان سال ۲۰۲۵ به حدود ۶٫۲ میلیارد دلار رسید. این رشد عمدتاً ناشی از تزریق سرمایه از سوی سرمایه‌گذاران خاورمیانه بود.

یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات، سرمایه‌گذاری ۲ میلیارد دلاری صندوق سسرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF) در شرکت کوشنر بود. فوربس در سال ۲۰۲۶ ثروت شخصی جرد کوشنر را حدود یک میلیارد دلار بر آورد کرده است. بخش مهمی از این ثروت به مالکیت او بر شرکت Affinity Partners و همچنین دارایی‌های خانوادگی در حوزه املاک بازمی‌گردد.

سال	رویداد	برآورد ثروت	عامل اصلی تغییر ثروت
۱۹۸۳	افتتاح Trump Tower	۴۰۰ میلیون دلار	رشد ارزش املاک منتهن و تثبیت برند ترامپ
۱۹۸۵	خرید مارالاکو و توسعه سرمایه‌گذاری‌ها	۶۰۰ میلیون دلار	گسترش سید املاک لوکس
۱۹۸۸	توسعه کازینوها و هتل‌ها	۱ میلیارد دلار	رشد سریع بازار املاک و استفاده گسترده از اهرم مالی
۱۹۸۹	خرید Plaza Hotel و Shuttle Trump	۱٫۷ میلیارد دلار	اوج رونق املاک و خریدهای بزرگ با بدهی
۱۹۹۰	آغاز بحران مالی	کمترا از ۵۰۰ میلیون دلار	سقوط بازار املاک و بحران بدهی
۱۹۹۲	بازسازی بدهی‌ها	۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار	فروش دارایی‌ها و مذاکره با بانک‌ها
۱۹۹۶	بازگشت به Forbes	۴۵۰ میلیون دلار	پایان بخش عمده‌ای از بحران مالی
۱۹۹۷	رونق مجدد املاک	۱٫۴ میلیارد دلار	افزایش ارزش ساختمان‌ها و درآمد‌های تجاری
۲۰۰۱	افتتاح Trump World Tower	۱٫۸ میلیارد دلار	توسعه پروژه‌های لوکس نیویورک
۲۰۰۳	فروش GM Building	۲٫۵ میلیارد دلار	سود کلان از معاملات ملکی
۲۰۰۴	آغاز برنامه The Apprentice	۲٫۶ میلیارد دلار	ورود درآمد‌های تلویزیونی و تبلیغاتی
۲۰۰۸	بحران مالی جهانی	حدود ۲ میلیارد دلار	افت بازار املاک و ارزش دارایی‌ها
۲۰۱۱	توسعه زمین‌های گلف و برند	۲٫۹ میلیارد دلار	درآمد از برند و باشگاه‌های گلف
۲۰۱۵	ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری	۴٫۵ میلیارد دلار	رشد ارزش برند و املاک پیش از ورود به سیاست
۲۰۱۷	آغاز نخستین دولت ترامپ	۳٫۵ میلیارد دلار	کاهش ارزش هتل‌ها و برخی املاک تجاری
۲۰۲۰	همه‌گیری کرونا	۲٫۱ میلیارد دلار	رکود گردشگری، هتل‌ها و ساختمان‌های اداری
۲۰۲۱	تأسیس Trump Media	۲٫۵ میلیارد دلار	ورود به صنعت رسانه و فناوری
۲۰۲۳	-	۲٫۶ میلیارد دلار	رکود املاک و هزینه‌های حقوقی
۲۰۲۵	توسعه پروژه‌های رمزارزی	حدود ۷٫۳ میلیارد دلار	درآمد از ورلد لیبرتی فایننشال، توکن‌ها و دارایی‌های دیجیتال
۲۰۲۶	توسعه پروژه‌های خارجی و تثبیت سید دارایی	۶٫۳ تا ۶٫۸ میلیارد دلار	کاهش ارزش بخشی از سهام در کنار تداوم درآمد املاک و رمزارزها

منابع: فوربس، شاخص میلیاردهای بلومبرگ و گزارش‌های تحلیقی رابرتز، نیویورکتایمز، وال استریت‌ژورنال و اسوشیتدپرس

فرصت مذاکرات توافق برای آبادگی جهت حمله مجدد استفاده کرده است؛ اما امارها نشان می‌دهد سطح ذخایر نفتی آمریکا در این مدت نه تنها افزایش نیافته، بلکه کاهش نیز داشته است. هم‌زمان، ایران با ترخی حدود دوبرابر شریایط عادی، نفت خود را از تنگه عبور داده است. بنابراین شروع مجدد درگیری‌ها از سوی آمریکا ناشی از شکست طرح‌شان در پس گرفتن مدیریت تنگه در اثای مذاکرات بوده است، نه برنامه‌ای از پیش طراحی شده برای بازیابی قوا و حمله مجدد.

بن‌بست استراتژیک آمریکا

وسناریوهای پیش‌رو

اکنون که جمهوری اسلامی نشان‌ده حاضر به واگذاری مدیریت تنگه نیست، آمریکا دو مسیر پیش روی خود می‌بیند.

سناریوی اول: عقب‌نشینی و بازسازی اقتصاد

آمریکا می‌داند سطح ذخایر نفتی اش پایین است و طولانی‌شدن درگیری، قیمت نفت را به‌شدت بالا می‌برد و اقتصاد را وارور بحران می‌کند. به‌ویژه آنکه ایران اکنون به‌خوبی می‌داند آمریکا در ماه منتهی به توافق، چگونه و با چه روشی توانست روزانه ۲۰ میلیون بشکه نفت را از تنگه عبور دهد و قاعدتاً این باز جلوی آن را خواهد گرفت. لذا یک گزینه برای آمریکا، خروج از جنگ و پذیرش مدیریت ایران بر تنگه است. در این حالت واشنگتن باید به ترمیم اقتصاد خود بپردازد. بازگشت به جنگ تعرفه‌ای به‌منظور کاهش واردات و رفع ناترازی تجاری، باز پرداخت بدهی‌های خارجی، برگرداندن سرمایه‌ها به داخل خاک آمریکا، پیگیری سیاست صنعتی، الحاق گرینلند و کانادا و رساندن تولید نفت و ترونازل به اعداد بالا. با این سیاست‌ها، آمریکا عملاً جهان چندلقطی را می‌پذیرد و برای جلوگیری از یک سقوط خطرناک، مشغول فرود آرام و تثبیت خود به‌عنوان یک قلوب از این جهان جدید می‌شود. به‌این‌ترتیب از آسیب‌پذیری در برابر انسداد تنگه هرمز رها می‌شود و آن‌گاه می‌تواند به صحنه درگیری با رقیای خود یعنی ایران، چین و روسیه بازگردد.

اما این مسیر علاوه بر این که شکست رابهبردی بزرگی برای آمریکاست،

اشکالات بزرگی دارد. این اصلاحات عملاً آمریکا را با دوره‌ای از ریاضت اقتصادی مواجه می‌کند که مردم آمریکا به‌راحتی آن را نمی‌پذیرند. همچنین در طول دوره اصلاحات، آمریکا در برابر تنش‌ها آسیب‌پذیر خواهد بود؛ چه شوک‌های قیمتی (مثل انرژی یا غذا) و چه اختلافات داخلی و تمایلات تجزیه‌طلبانه در برخی ایالات. علاوه بر این، اجرای این چنین طرحی احتمالاً نزدیک به یک‌دهه به طول خواهد انجامید که پس از آن، آمریکا با جهانی متفاوت و رقیابی قدرتمندتر مواجه خواهد شد.

سناریوی دوم: قمار خطرناک مرعوب‌سازی

باتوجه‌به اشکالات و خطرات سناریوی اول، ممکن است آمریکا به سراغ سناریوی دوم برود. آمریکا که نتوانسته با ابزار نظامی تنگه هرمز را به دست بگیرد، نیاز دارد ایران را از اعمال مدیریت بر این آبراه مهم منصرف سازد. بنابراین سناریوی دوم مرعوب ساختن ایران از یک اتفاق ترسناک به نام «جنگ زمینی» است تا تهران مجبور به عقب‌نشینی شود. اقداماتی که واشنگتن اکنون انجام می‌دهد، در راستای معتر ساختن تهدید حمله زمینی است. البته ممکن است آمریکا واقعاًدست به حمله زمینی بزند؛ اما این حمله یک جنگ طولانی برای تسخیر سرزمینی نخواهد بود، زیرا آمریکا می‌داند که چنین اقدامی دست‌کم در کوتاهمدت ممکن نیست و اقتصادش تحمل تیر گران در طولانی‌مدت را نخواهد داشت. در عین‌هدف، یک اقدام سریع و کوتاهمدت با یک عملیات روانی برای ترساندن و تغییر اراده ایران است.

نتیجه‌گیری

تحلیل واقع‌بینانه‌هیچ‌نشان نمی‌دهد که شروع مجدد درگیری‌ها از سوی آمریکا، نه از موضع قدرت، بلکه ناشی از «استیصال در بازس‌گیری مدیریت تنگه هرمز» از طریق ابزارهای سیاسی بوده است. در این برهه حساس، ایستادگی محکم بر مواضع پیشین، تنها راه صیانت از دستاوردهای عظیم به دست آمده است. هرگونه تزلزل در قبال تهدیدات سناریوی دوم می‌تواند هزینه‌های پرداخت شده در مراحل پیشین را کم‌اثر کند. پیروزی در دسترس است، به شرط آنکه اراده سیاسی همیای اقتدار میدانی، از پذیرش منطق تحمیلی دشمن سر باز زند.